

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

وقتی دلایل دشواری‌های زندگی برای ما معلوم نیست.

پرسش: در کتاب طیب عشق گفته شده که خدا با توجه به حالات درونی هر فرد و تصمیم‌هایی که گرفته است، داروی حوادث را تجویز می‌کند؛ یعنی اگر پیشامدهای زندگی ما تلخ است، به خاطر حالات و بیماری‌های درونی و تصمیم‌های ما بوده؛ ولی این حوادث خیر است. خب وقتی نفهمیم چرا این حوادث تلخ و سخت برای ما پیش آمده، چه فایده‌ای دارد؟ آیا خدا وقتی این حوادث تلخ را برای ما پیش می‌آورد، همیشه به ما می‌فهماند که کجای کار ما اشکال داشت که سبب شد این دشواری‌ها را برای ما رقم بزند؟ و آیا این حوادث صددرصد ما را دگرگون می‌کند و به هدفی که خدا داشته می‌رساند؟

در ادامه گفته شده انسان نباید نگران باشد، چون خدا خیرش را در آن اتفاق تلخ قرار داده است. خب آن اتفاق شاید بعضاً خیر باشد؛ ولی مشکل ما را حل نمی‌کند؛ مثلاً کسی که مجرد است و دوست دارد ازدواج کند ولی هر بار نمی‌شود، بنابه این صحبت‌ها، خدا به خاطر تصمیم‌های نادرست و حالات درونی آن شخص جور نمی‌کند؛ خب می‌گوییم در آن خیری هست؛ تا اینجا مشکلی نیست؛ ولی اگر در درازمدت این روند ادامه پیدا کند، باز هم خیری در آن هست؟ انسان نمی‌فهمد مشکل کجاست، که خدا نخواست و از طرفی نیازش هم برآورده نمی‌شود و چه بسا به گناه هم آلوده شود؛ یعنی عمل بدی به عمل بد اولی اضافه می‌شود و باعث محرومیت از ازدواج می‌شود. این غصه خوردن ندارد؟ ندانن حاجت به خاطر تصمیم‌های خود انسان و حالت و بیماری درونیش، از اینکه خدا نخواهد خیلی متفاوت

است. این را اصلاً نمی‌توانم درک کنم. اگر این دشواری به‌خاطر بیماری است، این بیماری را چطور باید پیدا کنیم؟

پاسخ: آنچه خدای متعال پیش می‌آورد، چه به کام ما شیرین باشد و جزء وقایع و حوادثی باشد که آرزوی رخداد آن را داریم، چه به کام ما تلخ باشد و از پیشامد آن ناراحت و تلخ‌کام باشیم، همه‌ی آنها اعم از تلخ و شیرین، خیر ماست؛ و خیر بودن هم به این معناست که کاستی‌های درونی را در مواجهه‌ی با آن می‌شود برطرف کرد. اگر ما با روح رضایت و اعتماد به اینکه این تقدیر الهی عین خیر است، پذیرای تلخ و شیرین آن باشیم و با روح تسلیم و اطاعت به همان‌گونه‌ای که در دستورالعمل‌های دینی آمده، با آن موقعیت و حادثه‌ای که برایمان پیش آمده مواجه شویم و در برابر آن رفتار کنیم، قطعاً آن نقایص درونی ما، آلودگی‌ها، کاستی‌ها و ضعف‌هایی که در ما هست، برطرف می‌شود و گام‌به‌گام به سمت کمال انسانی پیش خواهیم رفت. این اعتقادی است که مبنای کار است.

اینکه ما درصدد هستیم آرزوهایمان تحقق پیدا کند، با علم محدودی که بشر نسبت به مصالح خودش دارد، (در مقایسه با علم مطلق که خدای متعال به مصلحت انسان‌ها دارد)، باید توجه کنیم که بعضاً آرزوهای ما به چیزهایی متوجه است که در واقع آنها به مصلحت ما نیستند. ولو اینکه در کاممان شیرینند، اما به زیان ما هستند. همان تعبیری که قرآن فرمود که: چه‌بسا چیزی را شما دوست می‌دارید، اما برای شما شر است و چه‌بسا چیزی را کراهت دارید، ولی خیر شما در آن است.^۱ و همچنین فرمود: انسان همان‌گونه که برای آنچه خیر او در آن است دعا می‌کند، بعضاً برای چیزهایی دعا می‌کند که در واقع برای او شر است.^۲ به اینها باید توجه کنیم! گرچه انسان وقتی خواسته و

۱. عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۶).

۲. وَ يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ (سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱۱).

آرزویی داشت، بسیار خوب است که در خانه‌ی خدا برود و آن را نزد خدای متعال مطرح کند؛ اما در کنار این طرح نیاز و خواسته، همواره باید در ذهنش باشد که من اطمینان ندارم که آنچه درخواست می‌کنم فی‌الواقع خیر من در آن است. بنابراین در دعا به‌گونه‌ای درخواست کند که این توجه در آن لحاظ شود؛ یعنی به خدا عرض کند که خدایا من با این ذهن محدود بشری خودم، گمان می‌برم که خیر من در چنین چیزی است؛ خدایا اگر تشخیص من درست است همین را عملی کن و اگر نه، آنچه را که خودت خیر من می‌دانی عملی کن و به من هم فهم و روحیه‌ای بده که آن چیزی را که تو عملی می‌کنی با رضایت و شیرین‌کامی پذیرا باشم. در نتیجه نکته‌ی نخست سؤال پاسخش روشن شد.

و اما اینکه ممکن است من کاری کردم که پیامد آن، اتّفاقی است که به کام من شیرین نمی‌آید؛ ولو دارویی است تلخ‌مزه برای تأثیر آن خطایی که کردم، اما نمی‌دانم که آن خطایم چیست تا ترکش کنم که دیگر نیازی به ادامه‌ی این دارو نباشد. معیارها را خدای متعال در دسترس ما قرار داده و در باطن هم به ما الهام کرده که خوب و بد چیست: **و نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا**.^۳ ولذا اگر کسی اندکی خلوت کند و در مورد کارهایش تأمل کند، می‌تواند بفهمد که کجا بد کرده و مرتکب چه عمل ناشایستی شده که مغایر امر الهی بوده است؛ مثل: ظلم، فساد، آلودگی. به تعبیر قرآن: **بَلِ الْإِنْسَانُ عَلِيٌّ** **نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ**.^۴ ولو انسان برای کارهایش، نزد دیگران توجیهاتی بتراشد و دیگران را قانع کند که کارهایش معیوب و خطا نبوده، اما اگر خودش خلوت کند، می‌تواند بفهمد که کجا رفتارش معیوب بوده و ایرادی بر آن وارد بوده؛ این معیار باطنی و درونی است. اما معیار خارجی و ظاهری هم مجموعه‌ی آموزه‌های دین است؛ یعنی اگر ما آیات قرآن کریم، احادیث معصومین علیهم‌السلام، سیره‌ی عملی و روش زندگانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت علیهم‌السلام را مورد مطالعه قرار دهیم، به‌خوبی درمی‌یابیم که چه

۳. سوره‌ی شمس، آیات ۷ و ۸.

۴. سوره‌ی قیامت، آیات ۱۴ و ۱۵.

خطاهایی از ما سر زده و در نتیجه با توبه و تصمیم بر ترک آن خطاها می‌توانیم خودمان را از ادامه‌ی معالجات بعضاً تلخ پیامدهای آن خطاها بی‌نیاز کنیم. پس معیار وجود دارد؛ اما اینکه گمان کنیم الزاماً با ترک معایب و توبه‌ی از آنها، به آن آرزوهایی که داریم می‌رسیم، تضمینی وجود ندارد. به همان دلیل که عرض کردم، آرزوهای ما بعضاً به‌خیر ما نیستند و در نتیجه ولو اینکه انسان خیلی هم شخص شایسته و پاک و بی‌آلایشی شود، اما ممکن است آن آرزو به مصلحت او نباشد؛ لذا باید با حسن‌ظن و اعتماد به آنچه خدا در زندگی عملی می‌کند، بپذیرد که درصدد اصرار برای تحقق آرزوهایش که بعضاً برای او شرّ است، نباشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ